اشاره:

آن چه در پی می‌آید، حاصل گفت وشنود با حضرت آیة الله هاشمی رفسنجانی، دامت برکاته، است. این گفت و شنود، در تاریخ ۸۱/۷/۱۶ با حضور چند تن از پژوهندگان این مرکز، انجام گرفته است. شایان ذکر است که قسمتی از این مصاحبه در ایام مبارک نیمه‌ی شعبان امسال از سیمای جمهوری اسلامی پخش شده است.

مصاحبه با حضرت

آیةالله هاشمی رفسنجانی (دامت برکاته)

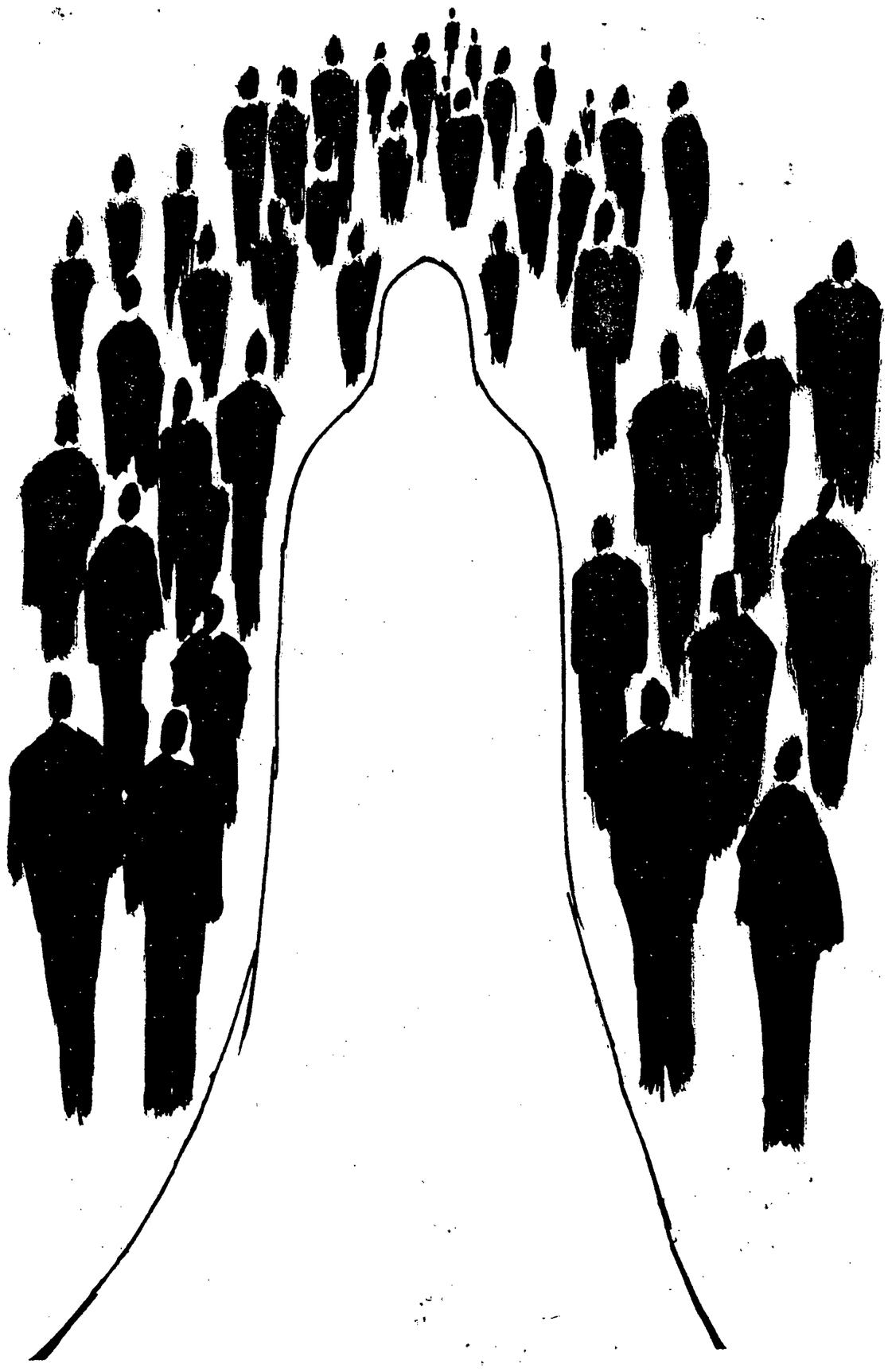

انتظار: بسم الله الرحمن الرحیم با سلام و صلوات به محضر مبارک حضرت بقیة الله روحی له الفداء، قطب عالم هستی و استعانت از آن امام همام، و نیز عرض تبریک به حضرت عالی و همه‌ی عاشقان و منتظران آن حضرت، به مناسبت فرا رسیدن ایام خجسته‌ی نیمه‌ی شعبان، اجازه می‌خواهم در آغاز سخن از جانب خودم و همه‌ی دوستان از اینکه علیرغم اشتغالات فراوان، فرصتی را در اختیار مرکز تخصصی مهدویت و فصل‌نامه‌ی انتظار قرار دادید تا در مقوله‌ی مهدویت با شما گفت و شنودی داشته باشیم تشکر کنم. در آغاز و پیش از طرح سوالات چنانچه مطلبی دارید بفرمایید.

● بسم‌الله الرحمان الرحیم. من، ابتدائاً، این ایّام خجسته را به تمامی عدالت خواهان جهان که منتظر کسی هستند که عدالت واقعی را در پهنه‌ی گیتی گسترش بدهد، تبریک می‌گویم. ما، هر چه داریم، از برکت وجود ایشان است.

امروز، تحقیقاً، جزء مهم‌ترین مسائل مردم، آگاهی بیش‌تر از حضرت مهدی (علیه‌السّلام) است. بنده، باید از آقایانی که برای تحقّق این خواسته‌ی مهم مردم، زحمت می‌کشند، قدردانی کنم.

انتظار: اجازه بدهید گفت و گو را با فرازی از دعای ندبه آغاز کنیم. در بخش‌های پایانی دعای ندبه چنین می‌خوانیم: «وأعنّا علی تأدیة حقوقه الیه». این حقوق، آن‌قدر سنگین

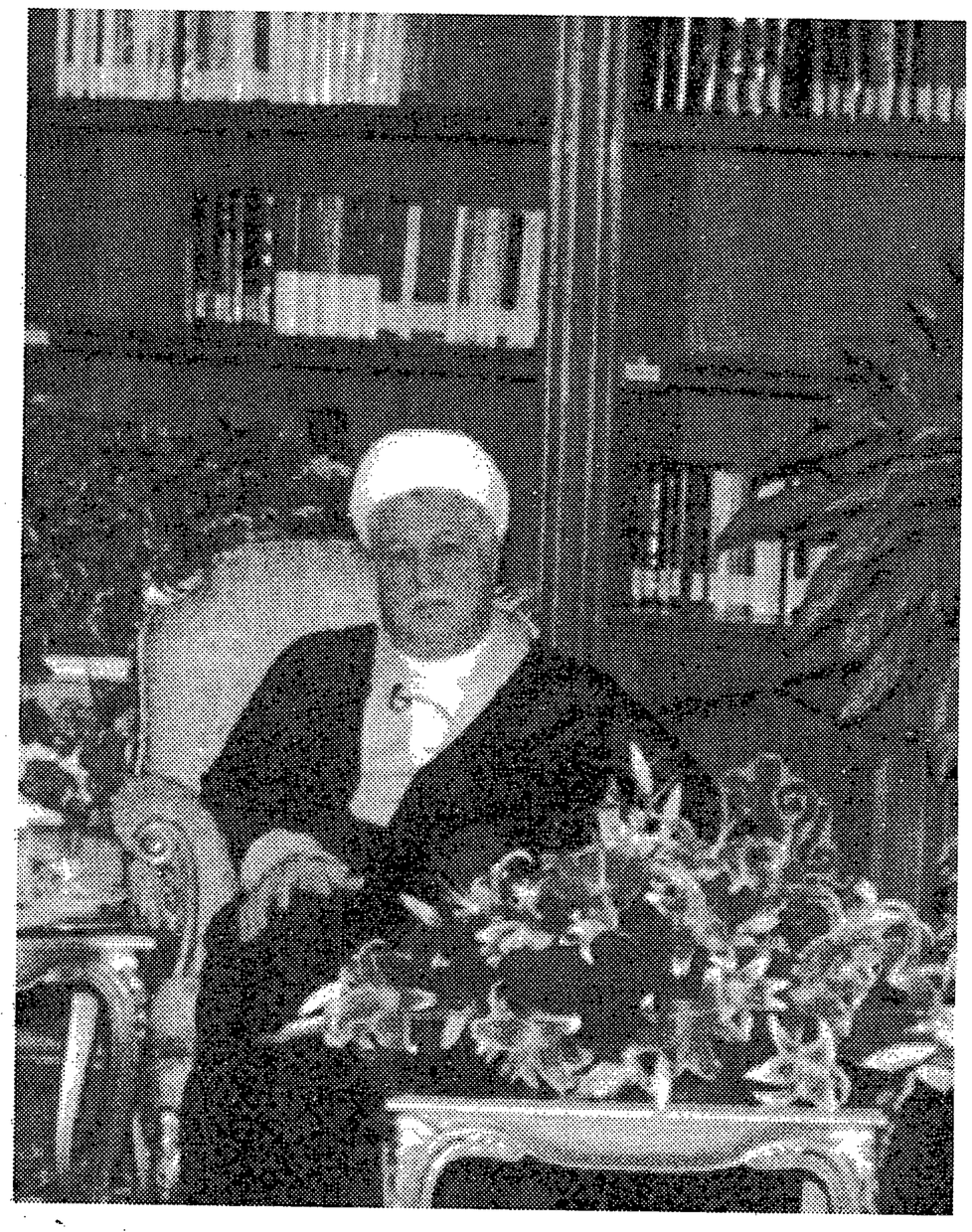

است که بایستی برانجام دادن آن، از ذات احدیّت کمک گرفته شود. این حقوق، می تواند حقوق فردی باشد و می تواند حقوق اجتماعی باشد. آن چه تا حالا گفته شده، و در بیش تر کتاب ها هم هست، حقوق فردی است.

مرحوم صاحب مکیال المکارم، تا حدود هشتاد تکلیف، برشمرده است. آن چه از شما می خواهیم استفاده کنیم، حقوق اجتماعی حضرت است؛ یعنی، ایران اسلامی و نهادهای حکومتی آن، به لحاظ پیش تاز یک حرکت عظیم و زمینه ساز حکومت حضرت حجّت (علیه السّلام) چه تکلیفی نسبت به آن حضرت دارند؟

ما، اصلاً، مبارزه مان، انقلاب مان، و همه ی برنامه های حکومتی مان، به نیابت از ایشان است؛ چون، به عقیده ی شیعه، مشروعیّت حکومت، درزمان غیبت، با اذن ایشان و خواست مردم است. بنابراین، وقتی که ما «ولایت فقیه» را می گوییم، منظورمان، کسی است که در صورت موافقت مردم و خواست مردم، از سوی امام زمان مأذون است تا مسئولیّت اداره ی امور جامعه را بر عهده بگیرد. این فرض، جزء عقائد مسلّم است.

مسئولیّت دخالت در زندگی مردم، قانون گذاشتن، قانون اجرا کردن، مسائل مالی، مسائل تربیّتی، همه ی این ها، با این اذن و اجازه است. خوب، پیدا است که در چنین شرایطی، ما باید آن چه را که می فهمیم و فکر می کنیم که از معارف اسلام است، پیاده کنیم. امام زمان هم خودشان برای این ها قیام خواهند کرد. ما باید محتوای واقعی اسلام را در حدّ فهم خودمان، آن قدر که می فهمیم، در همه ی زمینه ها اجرا کنیم. غفلت کردن از هر بخشی از اسلام درجامعه ی اسلامی که به عنوان حکومت شیعی شناخته شده، یک نوع تخلّف از حقوق است.

انتظار: از جمله حقوقی که نسبت به آن حضرت بر عهده ی ما است گسترش فرهنگ مهدویّت و بسط آن در همه ی جهان است. ما، در این باره، تاکنون چه کرده ایم؟ و چه کارهایی باید بکنیم؟

● شما، محدوده ی بحث را یک مقدار کوچک کردید. اصلاً، مهدویّت برای چیست؟ خوب، مهدویّت، برای اسلام است! اگر اسلام نباشد، مهدویّت چه ارزشی دارد؟ به عنوان یک شخص، امام، ارزش شان به این است که می خواهند معارف آسمانی را تبیین و اجرا کنند. ما اگر همین را بتوانیم به جامعه ی بشری بفهمانیم که برنامه ی امام زمان چه خواهد بود و دنبال چه هستند، کار بزرگی است. من،

◆ مصاحبه با آیة الله هاشمی رفسنجانی

معتقد نیستم که ما، همه‌ی برنامه‌های امام زمان را می‌فهمیم، چون این تعبیر که «ایشان، دین جدید می‌آورند»، نشان می‌دهد که ما، اسلام را خوب نمی‌شناسیم. «دین جدید» اشاره به محتویّات عملی و فکری و...اسلام است. ما نمی‌توانیم فکر کنیم همه‌ی آن چیزهایی را که امام زمان (عج) دارند، در اختیار ما است و همه‌ی آن‌ها را می‌فهمیم. اسلام واقعی و تفسیر واقعی و...را ایشان باید بیاورند. بنابراین، آن، مهم‌ترین حقی است که به گردن است. گسترش فرهنگ مهدویت هم، یکی از این بخش‌ها است.

انتظار: در اسلام همه‌ی مباحث و اجزاء و احکام آن از ارزش یکسانی برخوردار نیستند. هم‌چنان که در روایات «بُنی الاسلام علی خمس» این معنا کاملاً مشهود است در آخر همین طایفه از روایات آمده است: «مانودی بشیء کما نودی بالولایة لأنّ الوالی هو مفتاحهنّ و الدلیل علیهن». سؤال ما در حقیقت این است که شما با توجه به اهمیت مسئله‌ی مهدویت هم به لحاظ اعتقادی و هم به لحاظ شرائط خاص امروز ایران و جهان، چه راهکارهایی را برای طرح بهتر این مسئله و بهره‌ی بیشتر بردن از آن پیشنهاد می‌کنید؟ به عنوان مثال می‌توان حکومت امام عصر (عج) را به عنوان الگوی خود و اهداف تربیتی، سیاسی، اقتصادی و... آن را به عنوان اهداف نظام خود بگیریم؟ آیا مهدویت و ظهور می‌تواند به عنوان استراتژی و راهبرد نظام ما باشد؟

● یکی، این است که یک کار تحقیقی شود و ابعاد برنامه‌ی ایشان که در منابع ما وجود دارد، متناسب با زمان ما، استخراج، و به دنیا عرضه شود و به مردم بگوییم، امام زمان، چنین برنامه‌هایی خواهد داشت. درباره‌ی ایشان، برای خیلی از افراد، پرسش‌ها و ابهام‌هایی مطرح است. می‌پرسند: «بالاخره، این چه برنامه‌ای است که یک انسانی از هزار سال پیش، زنده بماند و منتظر باشد تا این که در یک زمان مناسبی، ظهور کند و مردم را نجات بدهد؟»؛ این‌ها را باید برای مردم، باز بکنیم و توضیح دهیم.

ممکن است که برخی بگویند: «متن روایات، برای مردم خوانده شود.» و به همین مقدار هم قانع باشند. این، درست نیست؛ زیرا، روایات مربوط به حضرت حجّت (علیه السّلام) صحیح و نا صحیح اش با هم مخلوط شده است چیزهایی، قابل فهم است و چیزهایی هم برای عموم قابل فهم نیست. مخلوط کردن این‌ها، خدمت خوبی به عامه‌ی مردم نیست. خدمت خوب، این است که ما آن‌هایی را که می‌توانیم بفهمیم که برنامه‌ی امام زمان است، متناسب با وضع امروز، به مردم عرضه کنیم.

در این باره هم، تنها مردم خودمان را در نظر نگیریم. مردم ما، یک تعبّد و علاقه‌ی خاصیّ به حضرت دارند. وضعیّت فرهنگی مردم جهان را نیز در نظر بگیریم. اتفاقاً، وقت‌اش هم همین الان است.

انتظار: این جا، یک بحث مهمّی مطرح می‌شود. این بحث مهم، نقش مردم در حکومت جهانی حضرت مهدی (علیه السّلام) است. واقعیّت، این است که گاهی اوقات، در مباحثی

که پیش می‌آید، مردم، در این حکومت، کنار گذاشته می‌شوند و یا مورد غفلت واقع می‌شوند. شما، نقش مردم در این حکومت جهانی را چگونه تحلیل می‌فرمایید.

● اتفاقاً، یکی از چیزهایی که می‌شود از همین منابعی که اشاره شد، استخراج کنیم و درست تبیین بکنیم، همین موضوع است. بعضی فکر می‌کنند که حضرت، با یک قدرت قاهره‌ای وارد می‌شوند و بامعجزه و سوار بر ابر و... اسلام را بر جهانیان تحمیل می‌کنند و مردم، طوعاً یا کرهاً، این را باید بپذیرند! از روایات و اسناد، این طوری استفاده نمی‌شود! اوّلاً، مبانی خود اسلام این نیست، و ثانیاً، رفتار خود پیغمبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و رفتار علی ابن طالب (علیه‌السّلام) این نبوده است. حضرت(عج) با مردم سر و کار دارند و قطعاً نظر مردم، این جا، مهمّ است. من فکر می‌کنم، یکی از خدماتی که می‌توانیم به عنوان ادای حق مان، انجام دهیم، این است که این بحث را خوب روشن بکنیم، چون، دراسناد، کاملاً، روشن است که وقتی امام زمان (علیه‌السّلام) می‌آید، مردم، رشد فکری پیدا کرده‌اند. وقتی که رشد فکری پیدا کردند، می‌توانند برنامه‌های درست را درک کنند. بعلاوه، مردم، از کسانی که ادّعاها کرده‌اند و به عنوان مصلح وارد جامعه شده‌اند، ولی خودشان هم به یک اخلال گر و استعمارگر تبدیل شده‌اند، خسته شده‌اند و تشنه‌ی یک برنامه‌ی عادلانه و انسان دوستانه و سعادت آور هستند. در آن زمان، شرایط جهانی هم به گونه‌ای پیش می‌آید که حضرت می‌توانند برنامه‌ی خودشان را به صورت جهانی مطرح کنند و با مردم جهان ارتباط برقرار کنند. مردم جهان هم، مطالب را می‌فهمند و با چشم باز، پس از درک کردن، می‌پذیرند.

برای من، این مطلب، خیلی روشن است و از اسناد و احادیث مربوط به حضرت حجت

(علیه‌السّلام)، به روشنی، این مطلب به دست می‌آید. شرایطی که ایشان در آن ظهور خواهد کرد، زمانی است که اگر برنامه‌ی همه جانبه‌ی قابل دفاع و امید بخشی برای مردم مطرح بکنیم، مردم، رأی می‌دهند و استقبال می‌کنند. بنابراین، قطعاً، شما باید فرض را بر این بگذارید که ایشان، با رضایت مردم و با استقبال مردم مواجه می‌شوند. حالا اگر شما مطالبی در بعضی از اسناد می‌بینید که با این‌ها نمی‌خواند، آن‌ها را باید بررسی کنیم. یکی از کارهای تحقیقی ما همین باید باشد.

انتظار: یکی از مباحث مطرح در جهان، در زمان حاضر، بحث جهانی شدن و جهانی سازی است. متفکّران غربی دراین باره بحث‌های زیادی دارند و اصطلاح «دهکده‌ی جهانی» را مطرح کرده‌اند.

شاید، یک موقعی بود که اگر بحث حکومت جهانی حضرت مطرح می‌شد، از اذهان بعضی، دور می‌نمود و خیلی افراد نمی‌توانستند تلقّی روشنی از آن داشته باشند، ولی امروز، طرح این مباحث و ضرورت آن به راحتی قابل فهم است. البته به گمان برخی، جهانی شدن و جهانی سازی با مباحث حکومت جهانی حضرت (عج) یکی است. آیا چنین است؟ آیا اهداف، مبانی و آثار این دو یکی است؟

● جهانی شدن، الان، مسئله‌ی روز، بلکه از مهم‌ترین مسائل است. به طور طبیعی، تاریخ بشر، به طرف جهانی شدن می‌رود. این امر، قابل اثبات است. شما از پنجاه سال، صد سال پیش به این طرف که نگاه بکنید، می‌بینید که بسیاری از مسائل که قبلاً منطقه‌ای بوده، یا کشوری بوده، یا قبیله‌ای بوده، الان، جهانی شده است. الان، مسائلی است که کشورها نمی‌توانند به تنهایی درباره‌ی آن، تصمیم بگیرند. حمل و نقل دنیا، ارتباطات و اطّلاع رسانی دنیا، محیط زیست دنیا، تجارت دنیا، مسائل امنیّت دنیا،... الان به هم مرتبط هستند و هر گوشه‌ای از جهان که حادثه‌ای پیش بیاید، روی همه‌ی جهان اثر می‌گذارد. هرچه قدر هم پیش برویم، این مسئله جدّی‌تر می‌شود. تعبیر دهکده‌ی جهانی، واقعاً، یک تعبیر خوب و قابل درک است و حقیقت و طبیعت موضوع را می‌رساند.

فرض ما، این است که یک عدّه از کسانی که این بحث‌ها را مطرح می‌کنند، محقّق و دل سوز بشر هستند و می‌خواهند، مشکلات بشر را حل کنند. در این میان، قدرت‌هایی هستند که فکر می‌کنند باید از این جریان، برای خودشان، برای حکومت‌شان، برای کشورشان، سوء استفاده کنند. آمریکا، این چنین است. آمریکاییان، با عمل‌شان نشان دادند که از این جهانی کردن، در درجه‌ی نخست، منافع خودشان را می‌خواهند و برای این که به منافع شان برسند، یک منافعی هم به دیگران می‌دهند.

امام زمان، عجّل الله تعالی فرجه، وقتی تشریف می‌آورند، با یک مکتب (حقیقت

اسلام) تشریف می آورند. مکتب ایشان، چند خصوصیّت دارد: یکی، این است که مکتب ایشان، جهان‌بینی دارد. الان، در دنیا، جهان بینی واحد نیست. درباره‌ی مبدأ و معاد و رابطه‌ی انسان با خدا و رابطه‌ی طبیعت با خدا و رابطه‌ی انسان با طبیعت، نظرهای گوناگونی وجود دارد و مکتب های فراوانی هست. مکتب حضرت، با واقعیّت جهان مطابق است.

خصوصیّت دیگر، ایده‌ئولوژی مکتب است. منظورمان از ایده‌ئولوژی، بایدهای فکری است که در اصطلاح ما، اصول عقاید (توحید و نبوت و معاد و...) گفته می شود.

خصوصیّت دیگر، استراتژی مکتب و خطوط راهنما است.

این ها، در دنیای امروز، واحد نیست. کشورها، برای خودشان، اصول خاصی دارند.

مکتب امام زمان (علیه السّلام) این سه عنصر را دارد. مقرّرات و احکام و وظایف و اخلاقیّات و... مراحل و گام‌های بعدی است که باید با آن سه خصوصیت هماهنگ باشد. حضرت (علیه السّلام) این ها را در سطح جهانی مطرح می کند و با توجّه به رشد مردم، پذیرفته می شود.

البته، اختلاف سلیقه های فراوانی هم می تواند باشد. این، بحث بعدی ما است. ما نمی توانیم بگوییم، بشر، در آن زمان، مثل دانه های تسبیح، یک شکل اند. بشر، هیچ گاه مانند محصول کارخانه‌ای نبوده و نخواهد بود. تفکّر و خلاقیّت، همیشه بوده و هست.

این که با این اختلاف سلیقه ها، چه می شود، بحث بعدی است. وقتی حضرت (علیه السّلام) مکتب اش را عرضه می کند، به طور طبیعی، زمینه‌ی حکومت واحد جهانی، ایجاد می شود.

انتظار: با توجّه به این که جهان امروز، در مادّیّت زندگی می کند، با توجّه به اوضاع کنونی جهانی، آیا اصلاً، جایی برای حکومت امام زمان (علیه السّلام) هست یا نه؟ آیا می شود تفکّر مهدویّت را در این جهان مادّی نشان داد؟

● چرا نمی شود؟ وقتی برنامه‌ای باشد که هر کسی، سعادت خودش را در آن ببیند، چرا نپذیرد؟ الان، کشورهای اروپایی که هر کدام شان برای خودشان پول داشتند، مرز داشتند، خیلی چیزها داشتند، به این نتیجه رسیدند که بیایند، ابتدائاً، بازار مشترک درست کنند و بعد اتّحادیّه‌ی اروپا درست کنند و بسیاری از مقرّرات داخلی خودشان را، حتّی پول شان را به نفع این مجموعه کنار بگذارند. سبب اش هم این است که احساس می کنند که منافع شان در این اتّحاد است و مردم هم این را می فهمند و موافق می شوند.

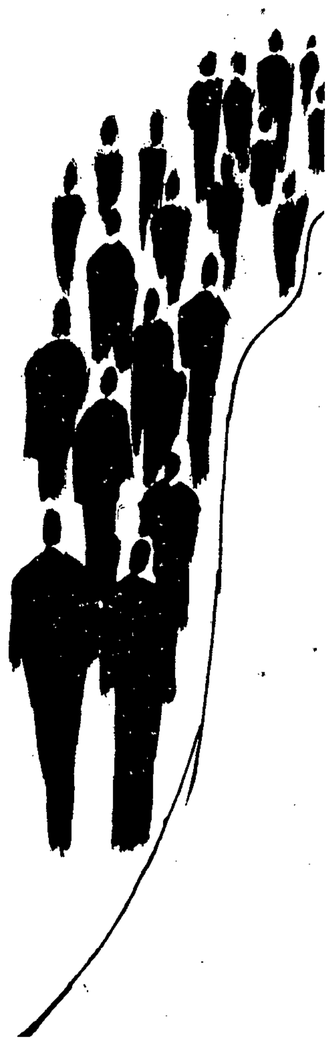

من دارم فرض را براین می گذارم که امام زمان (علیه السّلام) با برنامه‌ای می آیند و ابزار تبلیغ و ابزار معرّفی و

◆ مصاحبه با آیة الله هاشمی رفسنجانی

اطّلاع رسانی هم وجود دارد و مردم هم از وضع موجود خودشان، راضی نیستند و خسته‌اند،وقتی که برنامه‌ی حقوقی مناسبی را می‌بینند، همکاری می کنند.

این که می فرمایید: «مادّیّت غلبه دارد.»، امام زمان نمی‌آیند که مسائل مادّی مردم را ندیده بگیر! منافع مردم را در نظر می گیرند و زندگی سعادت‌مند برای مردم می آورند! امام زمان که نمی گوید: «همه‌اش نماز بخوانید! همه‌اش قرآن بخوانید!؛ همه‌اش زیارت کنید! همه‌اش...»! او، برنامه‌ی زندگی می آورد و مردم هم می فهمند و می پذیرند. مثل الان که پذیرش نیست، خوب حضرت هم ظهور نکرده‌اند.

انتظار: با توجّه به این فرمایش‌هایی که فرمودید، اگر بخواهیم تفکّر مهدویّت را فراگیر بکنیم تا آن مقبولیّت جهانی هم پیدا بشود، کدام یک از این اَبعاد تفکر و فرهنگ مهدویّت را برجسته کنیم؟

● من فکر می کنم، شما باید دنبال جامعیّت برنامه بروید. این هم به طور خیالی نمی شود، بلکه باید از اسناد موجود، شما برنامه های امام زمان را استخراج کنید و آن‌ها را اعلام کنید. ما، الان نمی توانیم ادعا کنیم که همه چیز را می دانیم. اگر شما، پنجاه در صد از آن واقعیّت‌ها را هم بتوانید به صورت برنامه معرفی کنید، خدمت بزرگی کرده‌اید.

انتظار: آن سیره‌ی تربیّتی، فکری، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی حضرت را که تبیین کنیم، با توجّه به این که مردم، عطش دارند و هم از درک بالایی هم برخوردارند، طبیعی است که آنرا بخواهند و از آن استقبال کنند.

● بله؛ این همین طور است، ولی باید به اسناد متکی باشد. یک وقت، ممکن است که خودمان، به عنوان یک متفکّر، آرزویمان را بیان کنیم، ولی این، جواب نمی دهد. خیلی از متفکّران، الان، افکاری دارند، ولی مقبولیّت ندارند.

انتظار: برجسته کردن عدالت اجتماعی حضرت که «یملأ الارض قسطاً و عدلاً» مناسب و مؤثّر است.

● بله؛ این طور است. البته، خیلی از موارد دیگر هست. درباره‌ی علم داریم، درباره‌ی اخلاق داریم، درباره‌ی ارتباطات داریم، درباره‌ی سیاست داریم، درباره‌ی برخورد با مردم داریم، درباره‌ی امنیّت داریم،.... این ها را با توجّه به اسناد، باید تبیین کنیم.

امنیّت، امروزه، یک شاخص مهم برای زندگی است. وقتی می گوییم، امام زمان آمدند، امنیّت آن قدر قوی است که یک زن جوان می تواند از این منطقه تا هر منطقه دیگری برود و کسی تعرّض به او نکند، این، برای مردم جذّاب و جالب است.

انتظار: پشتوانه های مکتبی که شما فرمودید و یک چنین فردی که دارای مقام عصمت است و یاران توان مندی هم ساخته، با این پشتوانه‌ها، به نظر می‌آید که راه، برای مقبولیّت، خیلی باز است.

● به هر حال، وقتی که مستند به ادلّه‌ی

موجود باشد و مطابق با عدل و فطرت انسان باشد، پذیرش زیاد، است.

انتظار: کدام بُعد از ابعاد، اولویّت دارد؟

● من، هیچ وقت فکر نکردم که کدام اولویّت دارد، امّا همین حالا می‌شود روی بعضی از موارد، انگشت گذاشت. عدالت، گمشده‌ی بشریّت است. اگر شما بتوانید از اسناد نشان بدهید که امام زمان، عادل مطلق است، کار ارزش مندی است.

امنیّت، اولویّت دیگر است. مردم، در همه‌ی زندگی‌شان، مشکل امنیّت داشتند.

علم، محور دیگر است. امام زمان (علیه السّلام) درهای زیادی از دانش را بر روی بشر می‌گشاید و طبیعت را که هنوز بر روی بشر بسته است، باز خواهد کرد.

ما، در اسناد، به اندازه‌ی کافی، از این چیزها داریم. این‌ها، یک ارزش‌های موقّتی نیستند. من فکر می‌کنم در همه‌ی طول تاریخ، از انسان‌های بدوی گرفته تا امروز، همه‌ی این‌ها، برای شان ارزش بوده است. البته، تفاوت‌هایی داشته است.

انتظار: ما می‌توانیم جلوه‌های محبّت حضرت را مطرح کنیم. بعضی، این طور مطرح می‌کنند که آن حضرت، جوی خون راه می‌اندازند! واقعیّت، این طور نیست! حضرت، آن قدر محبّت دارند، که مردم مجذوب او می‌شوند. وقتی مردم بدانند که او چه می‌کند و چه مشکلاتی را از سر راه بشر بر می‌دارد، طبعاً، چنین آقایی، خواستنی و دوست داشتنی است و همه‌ی انسان‌ها هم منتظرش هستند. در حقیقت، اگر جاذبه‌های فردی آن حضرت هم توضیح داده شود، خیلی از افراد، مجذوب می‌شوند.

● بله؛ این، یک دریچه‌ی دیگر است. در اسناد ما، فراوان، این طور وارد شده است که امام زمان، نقاط برجسته‌ی انبیای سلف را همراه خودشان دارند؛ یعنی، شخصیّت رئوف حضرت عیسی و شخصیّت حضرت موسی و شخصیّت حضرت رسول اکرم را دارند. خوب، مسلمانان به انبیاء، سلام الله علیهم أجمعین، عشق می‌ورزند و مسیحیان، به حضرت عیسی علاقه دارند و یهودیان، به حضرت موسی.

اذیان دیگر، منتظر منجی خودشان هستند. اسم منجی آنان، مهدی نیست، ولی آنان، منتظر فردی هستند با مشخّصه‌هایی که حضرت مهدی(عج) آن‌ها را دارد.

در روایات ما، برای جنبه‌های عطوفت و مهربانی و دل‌سوزی ایشان، موارد زیادی پیدا می‌شود.

اصلاً، آن جنبه‌ی خشنی که در بعضی از اسناد، بعضی، روی آن تکیه می‌کنند، به نظر درست نمی‌آید. آن، مولود تفکّرات زمانی بوده که پیروزی را همراه با جنگ و کشورگشایی می‌دانستند. این نوع پیروزی، اگر می‌خواست بشود، خوب، در زمان حیات حضرت، بلکه در زمان حیات حضرت علی (علیه السّلام) هم می‌توانست اتّفاق بیفتد! چرا خداوند، منتظر می‌ماند که این همه زمان بگذرد تا شرایط درست بشود؟ اگر بنا است با معجزه و آن ابزاری که معمولاً می‌آورند، با

◆ مصاحبه با آیة الله هاشمی رفسنجانی

آن‌ها بخواهد ایشان پیروز بشود، خوب، این را در زمان حضرت آدم هم می‌توانست انجام دهد! پس پیدا است که برای برقراری یک حکومت جهانی، زمینه‌های دیگری باید آماده باشد و آن، همان پذیرش و عطش مردم است.

یکی از نکات جالب توجّه درباره‌ی آن زمان، این است که عطوفت، همگانی می‌شود. در روایت آمده است، هنگامی که حضرت می‌آیند افرادی که نیازمندند، دست در جیب برادر مسلمان‌شان می‌کنند، و به اندازه‌ی نیاز بر می‌دارند و بعداً بر می‌گردانند! ما، مقداری از رفاقت و مهربانی و صفا و صمیمیّت را در صدر اسلام دیده‌ایم، ولی در زمان حضرت، این امور، گسترده است. خوب، شما ملاحظه بفرمایید، اگر اخلاق جامعه، به این جا رسید که، این گونه رفتار کنند، آیا فقیری در جامعه خواهد ماند؟ حلّ معضل فقر، یکی از مشکلات زندگی بشر است! آرزوی بشر،این است که هیچ کس فقیر نباشد! وقتی زمان ظهور حضرت، این گونه وصف شود، مردم جذب آن می‌شوند.

مورد دیگر، بحث آموزش و پرورش است. الان سازمان‌ها و افراد گوناگونی تلاش می‌کنند تا بی‌سوادی نباشد، ولی موفّق نشده‌اند. در زمان حضرت، نه تنها بی‌سوادی نیست، بلکه عقل بشر، رشد بالایی پیدا می‌کند و خیلی از مجهولات برای او حل می‌شود.

مورد دیگر، بحث ارتباطات است. در زمان حضرت، که وقتی مأموری به نقاط دور دست می‌رود، اگر درباره‌ی مأموریّت خودش، ابهامی پیدا کند، می‌گویند، «در کف دست خودت نگاه کن و مأموریّت‌ات را ببین.». خوب، در کف دست آدم که چیزی نیست! ما نمی‌خواهیم بگوییم، آن موقع، این معجزه اتّفاق می‌افتد، بلکه مسائل ارتباطی، به گونه‌ای است که او می‌تواند از این‌ها چیز بخواند؛ یعنی، برنامه‌اش را می‌تواند از دور ببیند و آن را اجرا بکند. این گونه روایات را در قدیم نمی‌فهمیدند، امّا الان، با فن‌آوری اطّلاع‌رسانی، این موارد، معلوم می‌شود.

انتظار: حضرت مهدی (عج) که بیایند، برخوردشان با کسانی که هم‌دین با حضرت نیستند، چه گونه خواهد بود؟ نیز احزاب و آنانی که هم‌کیش و هم‌فکر نیستند، نقش‌شان در حاکمیّت حضرت چه گونه است؟

● از آیات قرآن، می‌شود فهمید که ادیان دیگر هم تا قیامت، طرفدار دارند. ما، دلیلی نداریم که وقتی حضرت، تشریف می‌آورند، همه را به پذیرش اسلام مجبور می‌کنند. شاید کسانی هم باشند که اسلام را نپذیرند. البته، این‌ها، قطعی نیست، ولی جای این است که بگوییم، چنین آزادی وجود دارد که مردم، عقاید خودشان را داشته باشند. منتها، منطقاً، وقتی که ایشان اسلام را معرّفی می‌کنند، خود مردم می‌پذیرند. مردم،دیگر، تعصّبی ندارند. وقتی که تفکّرشان باز باشد و استدلال هم بشنوند، خیلی از افراد می‌پذیرند. این که ایشان، با چه شیوه‌ای حکومت می‌کنند، آن نقطه‌ی مشخّص که نقطه‌ی شروع ما است، این است که ایشان، صاحب الامر هستند، و مانند دیگر امامان،

حاکمیّت منحصراً برای ایشان است، امّا این که تحزّب خواهد بود. یا نه، شاید باشد و ایشان اجازه بدهند تا سلیقه های مختلف، به صورت جریان ها و احزاب، فعّال باشند. این که انتخابات به همین شکلی که از پایین، مردم، انتخاب می کنند، این که شوراها خواهد بود، این که در هر منطقه ای، شورای مدیریّت درست می شود، این که افرادی را منصوب می کنند، این ها، چیزهایی نیست که قطعی باشد.

من فکر می کنم، اصل مسئله، روشن است؛ یعنی، که رضایت مردم و رأی مردم ملاک است، امّا این که، در مدیریّت کشور، چه گونه به رأی مردم می رسند و چه گونه در اداره ی کشور به آنان متّکی می شوند، این که آیا واقعاً در همه ی کره ی زمین، یک نوع مدیریّت اعمال می شود، آیا این که....، همه ی این ها، از اموری است که روشن نیست. چه بسا، مثلاً، در گوشه ای از جهان، مسلمانان، یک نوع مدیریّت خاصّی با سلیقه ی خودشان داشته باشند، منتها، همه، هماهنگ با هدف و برنامه ی حضرت هستند.

در برنامه ی حکومتی حضرت، شاید جایی برای اختلاف نظر و... وجود داشته باشد. ما، هیچ دلیلی نداریم که فکر کنیم که همه ی جهان، مثل یک خانواده اداره می شود.

انتظار: عرض بنده، ناظر به حقوق اقلیّت ها است. با توجّه به این که در زمان ظهور، اقلیّت هایی هم هستند، آیا حقوقی را رسماً دارند؟

من نمی توانم یک نظر قطعی بدهم. این ها، از همان شیوه های حکومتی است که در هر زمانی می تواند تغییر بکند. این که چه گونه با آنان رفتار بشود و چه قدر به آنان در مسائل سیاسی و تربیتی و اقتصادی، میدان داده شود، چیزهایی نیست که به صورت قانون کلّی و غیرقابل تغییر باشند.

انتظار: آیا جهانی شدن یا جهانی سازی را ما می توانیم مقدّمه ای برای حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) تلقّی کنیم؟ آیا ما می توانیم به این امر، کمک کنیم؟

● این، می تواند به عنوان یک مقصد و تسهیل کننده ی شرایط ظهور امام زمان، مطرح باشد. وقتی که مقرّرات جهانی، از طرف همه ی کشورها پذیرفته شده باشد، مردم، نمایندگان شان را در یک جا جمع کرده باشند و درباره ی محیط زیست و مسیر هواپیماها و شرایط ارتباطات اینترنتی و مخابرات، مقرّراتی را وضع کرده باشند، آن وقت، حکومت واحد جهانی که بخواهد تشکیل بشود، در یک شرایط آماده تری می آید. الان، برای این ها، یک سری مقرّراتی وضع شده است، در آن زمان، حضرت مهدی (علیه السّلام) مقرّرات را کامل تر و بهتر و عادلانه تر و قابل اجراتر می کند.

به نظرم، این، روالی است که می تواند به حکومت واحد جهانی منتهی شود.

انتظار: موضع ما در مورد جهانی شدن چیست؟

● ما، فعلاً، عضوی از این جامعه ی بزرگ هستیم و نباید در این بحث، با اصل

جهانی شدن مخالفت کنیم؛ چون، این، یک چیزی است که می تواند در خدمت بشریّت باشد. دادگاه بین المللی کیفری که برای مجازات جنایتکاران جنگی تشکیل شده است، درست است که الان آمریکا در آن نفوذ دارد و...، ولی اگر انصافاً یک عدّه دانشمند قاضیِ عادلِ شریف باشند و اگر هر کشور کوچکی هم از یک دولت قدرت مندی، به عنوان جنایتکار جنگی، شکایت کرد، آن جا رسیدگی کند، آن، یک چیز خوبی است.

مطالب و امور دیگر هم این طور است. ما باید این ها را کمک بکنیم تا انجام بشود و از این که هست، به سمت عقلانی تری برود.

انتظار: آمریکا، الان، مدّعی ریاست و سلطه‌ی خود در امر جهانی سازی است. آیا او در جهانی سازی، به معنای رعایت حقوق مردم دیگر کشورها، صادق است یا نه؟

● به نظر من، قطعاً، صادق و عادل نیست، امّا بالاخره، آنان، این را می فهمند که اگر بخواهند در چنین کارهایی موفق شوند، باید یک مقدار امتیاز به دیگران هم بدهند؛ یعنی، اگر سازمان ملل بخواهد تشکیل بشود و ما هم بخواهیم عضو بشویم و حق عضویّت بدهیم، باید یک منافعی را برای خودمان، آن جا ببینیم، و اگر بانک جهانی می خواهد تشکیل بشود و بخواهیم ما هم عضو شویم و یک پولی آن جا بگذاریم، خوب، باید نفعی هم به ما برسد.

انتظار: آیا ما می توانیم در این سازمان های جهانی، تأثیرگذار باشیم؟

● بله؛ یقیناً، ما می توانیم تأثیر بگذاریم. در بعضی از این جاها که می خواسته تأسیس بشود یا چیزی تصویب بشود، وقتی ما حضور جدّی پیدا کردیم، توانستیم اثر بگذاریم و بعضی چیزها را اصلاح کردیم و نظر ما رأی آورده و دنیا هم استفاده کرده است.

البته، این، احتیاج دارد که بقیّه‌ی کشورهای اسلامی هم همکاری کنند. اگر این پنجاه و چند کشور اسلامی، بتوانند خودشان را همراه کنند و متّحد باشند، یک وزنه‌ی عظیم می‌شوند و در همه‌ی این مراکز جهانی، می توانیم با رأی خودمان، سرنوشت دنیا را اصلاح بکنیم.

البته، آنان، باز نفع شان را بیش تر از ما می برند. از این رو، اگر منافعشان لطمه ببیند، بیرون می روند. آمریکا، از یونسکو بیرون رفت؛ چون، رأی اش در تعیین دبیر کلّ، مؤثّر نبود. نیز از پیمان «کی.یو.تو» بیرون رفت.

انتظار: تا چه اندازه قدرت انتخاب و در واقع آزادی عمل برای کشورها و جوامعی که می خواهند با معیارها و ملاک های خودشان انتخاب کنند، در پروسه‌ی جهانی شدن وجود دارد؟ آیا اصولاً می شود برخورد فعّالانه‌ای داشت؟

● ببینید! این طرّاحی هایی که می شود، فرض کنید همین تجارت جهانی، که طبیعی است آنانی که پیش تاز این کارها بوده‌اند، هدف شان، این بوده که باب تجارت را با کشورهای دیگر آن چنان باز کنند که خودشان برنده باشند؛ چون، کسی را یارای

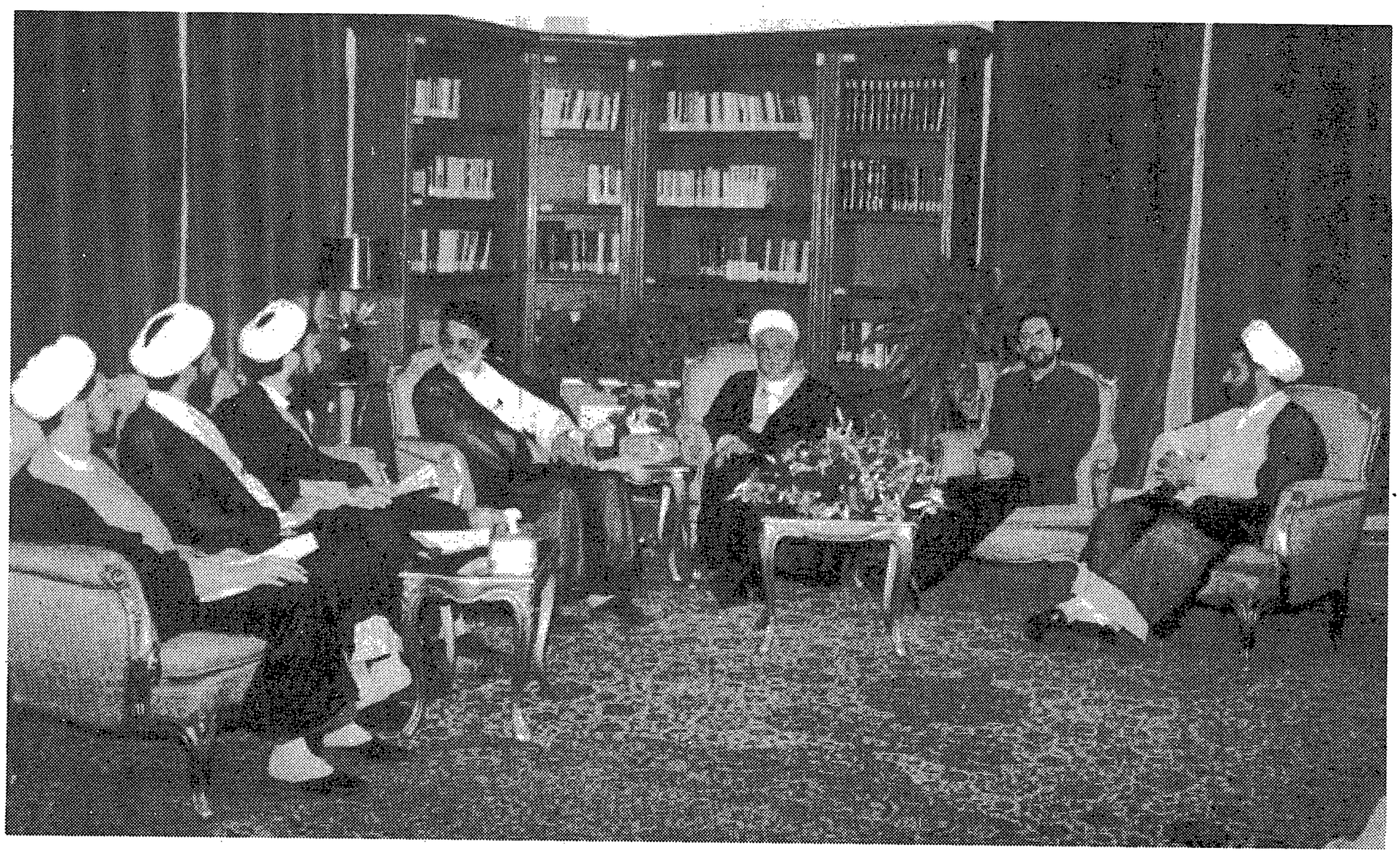

مقابله با خود نمی دیدند. به تدریج که کشورهای دیگر آمدند، یک مقرّراتی گذاشتند. اگر کسی پیوست، این طور نیست که فوری همه‌ی گمرکات خودش را حذف بکند و تعرفه‌ها را بردارد! او، می گوید، من، در ظرف دَه سال، هر کالایی را که احساس می کنم می توانم در بازار جهانی رقیب شوم، آن را در سبد می گذارم. البته، در مجموع، آنان اند که سود می برند.

برای ورود به آن جا هم اختیار با خود ما است. در دولت من، ماهی یک بار، برای ملحق شدن به تجارت جهانی بحث می کردیم. عدّه‌ای مخالف بودند و برخی نیز موافق. ما، آن وقت، به این نتیجه رسیدیم که فعلاً تقاضایمان را بدهیم، چون، خود پذیرش عضویّت، سال ها طول می کشد. آمریکا هم که مخالف ما است، خود این هم، زمان پیوستن ما را طولانی تر می کند. از این رو، وقت داریم که خودمان را برای آن روز آماده کنیم. درست است که امریکا با پیوستن ما به تجارت جهانی مخالف است، امّا اگر ما، جداً، بخواهیم به آن پیمان بپیوندیم، راه حل هایی برای خنثی کردن تلاش امریکا وجود دارد.

انتظار: الان، دیگر معلوم نیست به شما حقّ انتخاب بدهند! اگر عضو نشوید، نه چیزی به شما می‌دهند و نه چیزی از شما می گیرند! مضافاً اینکه مخالفت یکی از اعضاء برای عدم پذیرش کافی است.

● بله! نقطه‌ی زشتی که آن جا هست، همین حق وتو است که به همه دادند. خوب، این، دیگر، جزء مقرّرات آن جا است. آمریکا، مخالفت نکند، یک کشور کوچک دیگری ممکن است مخالفت بکند. بعضی از مقررّات آن جا، باید اصلاح بشود و اگر ما حضور داشته باشیم، خود این، کمک می کند که آن جا تأثیر بگذاریم و بعضی از مقررّات را اصلاح کنیم.

در مجموع، الان، شیوه‌ی ملحق شدن به پیمان های بین المللی، یک شیوه‌ای است که اجبار برای کسی ندارد، مگر این که شرایط،

◆ مصاحبه با آیة الله هاشمی رفسنجانی

انسان را مجبور بکند. به نظرم، اگر نفوذ و زورگویی بعضی از قدرت‌ها را از این جدا بکنید، اصل جریان، مثبت است.

انتظار: با توجّه به این که جناب عالی با امام امّت (ره) مأنوس بودید، قبل از انقلاب و بعد از انقلاب، در مراحل مختلف، یار ایشان بودید، بفرمایید که آیا حضرت امام، با توجّه به بحث جهانی شدن، آیا می‌خواستند یک حکومت دینی فراگیر تشکیل دهند یا نه؟ البته، قطعاً، همین طور بوده است. شما بفرمایید، برای این کار، ایشان، چه تمهیداتی اندیشیده بودند؟

● ایشان، تفکّرشان این بود که آرمان‌های عادلانه‌ی انقلاب، مانند کفر ستیزی و استعمار ستیزی و حمایت از محرومان و... محدود به حتّی فضای اسلامی نیست، بلکه این‌ها، مسائل بشری است، امّا این که خصوصاً در باره‌ی حکومت واحد جهانی حضرت مهدی (عج) صحبت کرده باشیم، چیزی یادم نمی‌آید. اگر ایشان، چیزی را مطرح کرده باشند، حتماً، در سخنرانی ایشان آمده است.

انتظار: ایشان، مکرّر، نام حضرت را می‌بردند و می‌فرمودند: «ما، منتظریم حضرت تشریف بیاورند و این حکومت را تقدیم ایشان بکنیم.».

● بله؛ این تعبیرها بود، امّا این که ما بحثی کرده باشیم برای این که ما الان مثلاً داریم مقدّمات حضور حضرت را فراهم می‌کنیم، من، یادم نمی‌آید. در این جا لازم است این نکته را مطرح کنم که جمهوری اسلامی، پیوسته، در پی این بوده است که حکومت جهانی حضرت (علیه السّلام) را الگوی رفتار خود قرار دهد. ما اگر از رفاه می‌گوییم، اگر از امنیّت می‌گوییم،...، چیزهایی است که از آن جا الگوبرداری کرده‌ایم.

البته، در این باره، ما، به اندازه‌ی فهم خودمان از اسلام و توانی که داریم، عمل می‌کنیم. ما، نه فهم حضرت را داریم و نه امکانات حضرت را، لذا آن چه پیاده می‌کنیم، نمی‌تواند، کاملاً مطابق با آن الگو باشد.

اگر ما بتوانیم، به اندازه‌ی توان‌مان هم اسلام را پیاده کنیم، الگوی خوبی برای جهان خواهیم بود و این می‌تواند، زمینه را برای ظهور حضرت فراهم آورد.

انتظار: اگر فرضاً، شما، این مشغله‌های فراوان سیاسی را نداشتید و فارغ البال بودید، چه موضوعی را برای گسترش فرهنگ مهدویّت انتخاب می‌کردید؟

● به دنبال اجرای اسلام می‌بودم؛ یعنی، همین کاری که الان می‌کنیم؛ چون، فکر می‌کنم روح مهدویّت، همین است. باز تأکید می‌کنم، اگر ما بتوانیم آرمان‌های اسلام را در عمل پیاده کنیم و به مردم جهان نشان دهیم، کار بزرگی برای گسترش فرهنگ مهدویّت انجام داده‌ایم. الان هم، سعی و تلاش‌مان، جز این نیست. حالا این که چه مقدار موفّق شده‌ایم، یک بحث دیگری است.

انتظار: به نظر شما، بهترین شیوه‌ی حکومت برای دوران غیبت چیست؟

● به نظرم، همین نظام ولایی است که در ایران ایجاد شده است. اگر ولایت فقیه

نبود، نه انقلاب پیروز می‌شد و نه مشکلات پس از پیروزی حل می‌شد و نه در جنگ موفّق می‌شدیم که تمامیّت ارضی خود را حفظ کنیم و یک وجب خاک به دشمن ندهیم و نه می‌توانستیم، انسجام و وحدت ملّی کشور را حفظ کنیم و در آینده هم بدون ولایت فقیه نمی‌توانیم پیش برویم.

گزینه‌هایی که گاهی مطرح می‌شود، مانند سکولاریزم و...، امتحان خودشان را در جاهای دیگر داده‌اند و این‌ها، فقط، یک مزاحمت‌هایی است که از آغاز انقلاب هم مطرح بوده است و چیز تازه‌ای نیست. در شورای انقلاب، این‌ها هم مطرح شد. این بحث‌ها، از سوی نهضت آزادی و... مطرح می‌شد. آنان صریحاً می‌گفتند، نوع حکومت ایران، یا جمهوری باشد یا جمهوری دمکراتیک!

انتظار: حکومت دینی، به اعتقاد شما، مبنایش بر اساس مشروعیّت است یا مقبولیّت یا هر دو؟

هر دوی این‌ها باید باشد. اگر نظر و مقبولیت مردم نباشد، کاری نمی‌توان کرد. برای عملی کردن اسلام، ما باید مردم را همراه خود داشته باشیم. به نظر ما، فقیه واجد شرایط، جانشین حضرت بقیة‌الله (علیه السّلام) است، امّا اگر این بحث‌ها بخواهد جنبه‌ی حکومتی به خود بگیرد، باید برای فقیه، مقبولیّت حاصل شود. حضرت علی (علیه السّلام) چون پذیرش مردم نبود، خانه‌نشین شد! ما که بالاتر از حضرت نیستیم! اصلاً چرا حضرت در پرده‌ی غیبت‌اند؟ زمینه‌ی پذیرش گسترده و جهانی مردمی وجود ندارد!

انتظار: یعنی، مشروعیّت را از شرع می‌گیریم و مقبولیّت را از مردم؟

● بله؛ همین طور است. تنها تئوری که می‌تواند خود را نشان بدهد و در عمل هم نشان داده است، تئوری ولایت فقیه است.

انتظار: دشمن، این را خوب فهمیده است، از این رو، سرمایه‌گذاری فراوانی برای دور کردن مردم از ولایت، چه ولایت معصوم و چه ولایت فقیه، کرده است. الان، فیلم‌هایی را می‌سازند که تفکّر مهدویّت را زیر سوال می‌برند. نظام، برای مقابله با این شبهات خارجی و داخلی، چه تدبیری اندیشیده است؟

● همین تدبیرهایی که تا به حال کرده‌ایم. من نمی‌دانم که شما چه قدر سال‌های آغاز انقلاب را به یاد دارید. در آن زمان تهاجم به تئوری ولایت فقیه، فراوان بود. بنی صدر که رییس جمهور شد، افکارش را آشکار کرد و پیش از او، دولت موقّت، تهدید به استعفا کرد و...، با تدبیرهایی که اندیشیده شد، این توطئه‌ها از بین رفت.

ما، همیشه، با این گونه مسائل، در گیر بودیم و الان هم همین طور است. ما، اولاً، کار خیلی مهمّی که باید انجام دهیم، این است که معاش مردم را سر و سامان ببخشیم. این، جزء نخستین وظیفه‌های دولت اسلامی است. حضرت که مالک اشتر را به مصر می‌فرستد، به او می‌گوید، با اموالی که جمع می‌کند، آبادانی کند و آبادانی‌ها را گسترش دهد.

◆ مصاحبه با آیة الله هاشمی رفسنجانی

الان، شبهاتی که مطرح است، بیش تر، مربوط به بُعد کارایی نظام است. با موفقیّت اقتصادی، این شبهات، خود به خود، پاسخ داده می‌شود. البته، آن شبهات فکری را هم باید مستدلاً پاسخ داد.

این شبهات، چیزهای تازه‌ای نیست. شما کتاب خاطرات مرا که منتشر شده، ملاحظه کنید. خواهید دید که این‌ها، از آن موقع هم بوده است. بله، یک وقتی در کمون و نهفته بوده است و زمانی آشکار شده است.

انتظار: الان، نسبت به گذشته به فرهنگ مهدویّت، تهاجمات گسترده تر و سازمان یافته تری می‌شود. به عنوان نمونه بر اساس پیشگویی‌های نوستراداموس فیلم ساختند و تا مدّت‌ها آن را در تمامی شبکه‌های تلویزیونی خود نشان دادند تا مردم خود را نسبت به این مسأله، بد بین و متنفر کنند.

● بله؛ این‌ها هست، ولی آنان اساس اسلام را هدف گرفته‌اند و به دنبال حذف اسلام هستند. الان، به همه‌ی ارزش‌های اسلامی حمله می‌شود. حجاب هم یکی از این‌ها است.

انتظار: ولی حجاب، به اهمیت مسئله‌ی مهدویت نیست حجاب کجا، مهدویت کجا!

● این، درست است، ولی آنان، به جان خود اسلام افتاده‌اند شما، چون روی این قضیّه زحمت می‌کشید، چنین می‌گویید، ولی ما می‌بینیم که آنان، همه‌ی ارزش‌های اسلام را مورد هجوم قرار داده‌اند؛ زیرا، حضرت مهدی (علیه السّلام) هم بدون اسلام، مطرح نیست! حضرت می‌آیند تا اسلام را اجرا کنند! داستان سلمان رشدی برای نابودی اساس اسلام بود!

انتظار: در اوایل پیروزی انقلاب، در اسراییل، همایشی بود. در آن جا گفته شد، در شیعه، دو نگاه مطرح است: نگاه سرخ و نگاه سبز. شیعه، با نگاه سرخ، انقلاب می‌کند و با نگاه سبز آن را حفظ می‌کند. آنان گفتند، برای نابودی شیعه، باید قیام حسینی و قیام مهدوی را از اینان بگیریم.

● من می‌گویم، آنان، تنها، به یک موضوع نپرداخته‌اند، بلکه به هر چیزی که مایه‌ی افتخار ما است و برای ما ارزش است، تهاجم کرده‌اند و می‌کنند. یکی از این محورها هم موضوع مهدویّت است.

انتظار: یکی از اصلی ترین چالش‌هایی که جامعه‌ی کنونی با آن مواجه است، مسائل اقتصادی است. شما در ارتباط با حکومت امام زمان (علیه السّلام) و جلوه‌هایی که از رفاه عمومی در جامعه ایجاد می‌شود و فقر رخت بر می‌بندد، چه توضیحی دارید؟

● من، آن چه را که فعلاً از مبانی اسلامی می‌فهمم، این است که یکی از ویژگی‌های اقتصادی زمان حضرت حجّت (علیه السّلام)، اولاً، نقد کردن منابع طبیعت است. آن روز که ایشان می‌آیند، زمین، کنزهای خودش را بیرون می‌دهد و تکثیر ثروت در دنیا می‌شود. با توجّه به علم و فن آوری، همه‌ی منابع طبیعت تسخیر می‌شود و این، با امروز ما، اصلاً قابل مقایسه نیست.

یکی دیگر از ویژگی‌ها، تقسیم عادلانه است. تقسیم عادلانه‌ای که ما فعلاً می‌فهمیم، سلب مالکیّت نیست. حقوق ضعفا، به گونه‌ای تأمین می‌شود که فرد محتاج، در

حکومت حضرت مهدی (علیه‌السّلام) وجود ندارد، ما نمی‌توانیم بگوییم، تفاوت نیست، امّا کسی محتاج نیست. جهان آباد، با توزیع مناسب ثروت، مهم‌ترین ارکان اقتصادی حضرت مهدی(عج) است.

انتظار: تفاوت حکومت امام زمان (علیه‌السّلام) با دیگر حکومت‌ها در چیست؟ اگر بگوییم، عدالت است، امنیّت است، رفاه است،...، ممکن است کسی بگوید، مکاتب دیگر هم چنین ادّعایی دارند، حالا، هر چند تا به حال نتوانسته‌اند آن را عملی کنند؟

● مسئله‌ی مهمّی که در رسالت انبیا و در مکتب تربیّتی قرآن هست، آن بُعد تکامل انسانی است؛ یعنی، این مکتب، انسانی را می‌خواهد که به دنبال نزدیکی به خدا است. اسلام، حرکت بشر به سوی قرب الهی را می‌خواهد. مطابق جهان بینی ما، اصل، برای انسان، این است که به طرف خداوند حرکت بکند و آخرت‌اش را تأمین بکند و سعادت نهایی را بیابد. دنیا، مقدمه‌ی آخرت است. این مطلب، در زمان ظهور حضرت، خالص‌تر می‌شود.

انتظار: صحبت از کارهایی شد که علیه مهدویّت انجام می‌گیرد. نمونه‌اش، مثلاً ساختن فیلم علیه مهدویّت است. حالا اگر ما بخواهیم در صدا و سیما در همین زمینه‌ها، کار بکنیم، نظر شما چیست؟ آیا ساختن فیلمی در باره‌ی شخصیت حضرت و عصر ظهور ممکن است؟ آیا لزومی برای آن می‌بینید؟

بله؛ من، با این پیشنهاد موافق‌ام. البته، شرط‌اش، این است که یک مطالعه‌ی همه جانبه و تحقیق گسترده‌ای انجام بگیرد و از آن نکات مهمّی که از اَسناد در باره‌ی حکومت امام زمان پیدا می‌شود، یک فیلم‌نامه نوشته شود و مظاهر زیبای او را، از بُعد اقتصادی و اخلاقی و امنیّتی و آموزشی و ارتباطی و همه‌ی چیزهایی که در دنیا، ارزش است، نشان داده شود.

همین طور که الان، فیلم‌هایی ساخته می‌شود که مثلاً، دنیای صد سال دیگر را نشان می‌دهد، می‌توان فیلمی ساخت که زمان حضرت را نشان دهد.

البته، پیش از ساخت، باید با مقام معظّم رهبری و مراجع و... هماهنگی شود.

انتظار: ما با آقای لاریجانی صحبت کردیم و ایشان هم استقبال کردند.

● این کار، یک گروه قوی تحقیقاتی می‌خواهد. البته، کار سختی هم نیست.

انتظار: جامعه‌ی مسیحی، منتظر برگشت حضرت مسیح است تا عدالت را برای زمین بیاورد. آیا شما، این نکته‌ی مشترک را زمینه‌ی مناسب برای گفت و شنود و جلب افکار عمومی و بین المللی برای پذیرش یک حکومت دینی، می‌دانید یا نه؟ مردم مسیحی و مسیحیّت، پس از سرخوردگی از رنسانس، به این نتیجه رسیده‌اند که برای رسیدن به آرامش و... باید به دین، روی بیاورند.

● این تفکّر، به طور کلّی، در همه‌ی ملل و نحل وجود دارد. یکی از کارهایی که برای همین مسئله‌ی مهدویّت می‌توان کرد، این است که میان مراکز دینی و مذهبی که چنین تفکّراتی دارند، ارتباط برقرار شود، بحث شود، خبرهای آن پخش بشود، اطّلاعات

◆ مصاحبه با آیة الله هاشمی رفسنجانی

جمع بشود. بحث مهدویّت را در مسیحیّت باید یک طور مطرح کرد و در مراکز تشیّع، یک گونه‌ی دیگر. این جوامع، هر کدام، ادبیات خاصّ خود را دارند. ما از طریق این نقاط مشترک، می‌توانیم به یک نقطه‌ی نیرومندی برسیم. خداشناسی در فطرت بشر هست و در یک جایی ظهور می‌کند. باید این را احیا کرد.

انتظار: در باره‌ی همایش بین المللی مهدویّت چه نظری دارید؟

● موافق‌ام، ولی باید دامنه‌ی بحث را مشخّص کنیم. این را می‌شود به عنوان یک بحث دینی مطرح کرد و نیز می‌شود به عنوان حکومت جهانی مطرح کرد. این را طوری باید مطرح کرد که برای همه، جاذبه داشته باشد.

انتظار: اعتقاد ما، این است که بدون عنایت امام زمان، عجل الله تعالی فرجه الشریف، نه انقلاب، شکل می‌گرفت و نه پیروز می‌شد و نه از بحران‌های پس از پیروزی، سرافراز بیرون می‌آمد و نه در جنگ، سربلند بود. عنایت حضرت، در برخی از موارد، محسوس‌تر است. پرسش ما این است که آیا این موارد را در زندگی شخصی و یا انقلاب، دیده‌اید؟ از عنایت حضرت به خودتان، اگر خاطره‌ای دارید، برای تذکار ما نقل بفرمایید.

● من، خودم، از عنایات حضرت، زیاد دیده‌ام. در جاهایی که انسان، واقعاً، مستأصل می‌شود، با توسّلِ از صمیم قلب، عنایات ایشان را خواهد دید.

انتظار: یک نمونه‌اش را بفرمایید.

● اصراری نداشته باشید.

انتظار: گمان می‌کنم خیلی‌ها علاقه‌مند باشند که لااقل یک نمونه‌اش را بشنوند.

● یک موردش را در فتح فاو دیدم. ما، برای فتح فاو، باید هزاران نفر را از آب می‌گذراندیم و به سنگرها و استحکامات عراق، حمله می‌کردیم. ما، همه‌ی وسائل لازم را فراهم کرده بودیم، ولی به خاطر سنگینی کار طبیعی بود که در آن شرایط توسل به ائمه به خصوص به امام عصر (علیه السّلام) برای ما خیلی کارساز شد و بالاخره دلهره داشتیم. خلوص رزمندگان و توسّل آنان و ما، سبب شد که عملیّات والفجر هشت با موفّقیّت به پایان برسد. ما فکر می‌کردیم که اگر دست عراق را از آب کوتاه کنیم، نمی‌تواند دیگر ادامه دهد. افزون بر آن، در این فکر بودیم که اگر قرار شد، آتش بس شود، آن جا را به، عنوان حربه‌ای برای رسیدن به حقوق‌مان نگه داریم. الحمدللّه، فاو، به دست ما افتاد.

انتظار: در پایان از جناب عالی تشکّر می‌کنیم.

● خواهش می‌کنم. این، کم‌ترین کاری است که می‌توانستم انجام دهم. ان شاء الله، موفّق باشید.